



عرایضی در زمینه اظهارات آقای ع. واحد. حیدری

خوشحالم که آقای عبدالواحد حیدری به نوشته این هیچ میدان در دریچه وبسایت آریانا افغانستان آنلاین، ترتیب اثر داده اند. گرچه جوابی به ارتباط عرایض بنده در مطلبی که منتشر شده است چندان به نظر نمیخورد، با آنهم می بینیم که محتویات این سطور «دریچه بی» چگونه و با کدام استدلالی رقم خورده است، ولو که نهایت از موضوعاتی که مطرح شد و مفهومی که پیشکش گردید، دور هم افتاده باشد.

اول: ممنون که سخنی از عقاید و چشم دیدهای مستدل محترم داکترسید عبد الله کاظم به میان آوردید؛ بلی من از کتاب «زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد» که ارزش تاریخی، تحقیقی و اجتماعی دارد، استفاده اعظمی می نمایم. درین زمینه به خود وی نیز تذکار داده و تقدیر نموده ام، حتی قسمتی را از چشم دید نامبرده من حیث یک شاهد عینی مقیم شهر کابل در روز های کودتای ۲۶ سرطان هم در مطلب وابسته به آن جریان سرنوشت ساز تاریخی که اخیراً سالروز آن بود، تذکار داده ام. آیا ایرادی از جانب شما میتواند در مورد خاطرات مستدل وی موجود باشد؟!

اگر یاد آوری شما از استعمال کلمه «نشخوار»، در دهه ها قبل از جانب آقای کاظم، به علت ایجاد کدورت بین قلم بدستان افغان باشد، احسنت بر شما داکتر صاحب محترم!!
فهمیده نشد چرا معانی انگلیسی کلمه مورد بحث «*» را پیشکش نموده اید، مگر اکثریت مردم ما، به شمول این قلم دری زبان و پشتو زبان نیستند؟!

دوم: در مورد مقایسه اینقلم به فاسد ترین و خیانت پیشه ترین زن معاصر افغان که اناهیتهای راتب زاد باشد نه «انیتا»، واقعا که دُر سفتید، جناب داکتر صاحب طب! این موجود سخیف و خاک فروش را که در منزل و خوان نعمت مرحوم شاه محمود خان «بمنزله نمک خور نمکدان شکن» پرورش یافت و در سرای مرحوم سردار داود خان با ببرک کارمل منفور آزادانه رفت و آمد مینمود، نمیتوان

با هیچ وطن پرستی در یک ترازو قرار دهید... البته هتک حرمت عادت شماست، ولی انصاف هم خوب چیزی هست!

احتیاط کنید تا محک تجربه ناید به میان!! بیاد دارید که آنایکه به قدر و منزلت ناحق در عصر جمهوریت رسیده بودند، نو جوانان شان موتر های «بی ام دبلیوی» دولتی را که برای مهمانان کنفرانس های بین المللی که در کابل دایر میشد، تعبیه گردیده بود، با بی احتیاطی این سو و آنسو می بردند و تخریب مینمودند. یقین بیاد دارید!؟

سوم: در مورد نظر و عقیده آقای «روستار ترکی» در باورمندی اینجانب که شما برای خوانندگان بصورت «مرموز» اشارتی نموده اید، باید عرض کنم که بلی، در دوره اول دولت طالبانی، در حالیکه در زمره طبقه انانث افغان در کشور، دکتوران، شاگردان، معلمات، محصلات و استادان پوهنتون و جمیع زنان و دختران کشور در خانه ها حبس گردیده بودند، طوریکه حتی برای خرید نان و یا ادویه از دواخانه، به تنهایی پا از حریم منزل بیرون گذاشته نمی توانستند، من برای دفاع آن قشر مظلوم اجتماع افغانی مبارزه علنی می نمودم. فرقی نمیکرد که مخالف نظریات حقوقی و بشر دوستانه من «داکتر روستار ترکی» باشد، یا پشتی خواه دیگری از عقب گرایان طالب!! مگر حقیقت غیر ازین بود جناب داکتر صاحب؟! مثل اینکه متوجه نشده اید که من یک مبارز حقوق زن و دختر همیشه مظلوم افغان هستم و خواهم بود!! پس شما هم با تبصره های دریچه یی از قیود طالبان که البته افکار تان با زن ستیزی آنان و پامال حقوق حقه دختر و زن افغان موازی پیش میرود، دقیقاً **علیه** آنچه حق مسلم نیمی از نفوس افغانستان عزیز است، می باشید!

چهارم: طوریکه از ادعای شما مشعر است، گویا استقلال افغانستان را نظر به معاهده سمله اعلیحضرت شاه امان الله غازی به تاریخ ۱۸ اگست ۱۹۱۹ بدست نیاورده است، اول بار است که بعد از سال ۱۹۷۸ که اجازه بیان علنی این صفحه تاریخ واقعی افغانستان عزیز رایج گردید، چنین ادعایی را از خامه توانای شما مطالعه می نمایم... شما درین ادعا دقیقاً بر حقیقت مسلمی که هزاران صفحه ای از تاریخ وطن بصورت گوناگون در آنها رقم خورده است، خط بطلان میکشید. چون طرح چنین بحث مهم تاریخ مبرهن و مفصل کشور حق کافه ملت افغانستان است، پس بر تاریخ نگاران، محققین و آنایکه در ساحه رویداد های واقعی قرن بیستم کشور ما و منطقه مطالعات وسیع و تجسّسات جامع دارند، وظیفه‌تاً لازم میگردد تا پا پیش گذاشته و چنین ادعایی را رد یا قبول نمایند.

پنجم: در آغاز قرن موجوده که دسترسی مطبوعاتی افغانی به انترنت محدود بود، نویسندگان در معدود جراید و مجلاتی که در خارج نشر میشد مراجعه می نمودند. به ارتباط به این موضوع قوی کوشان هم که یکی از تفرقه اندازان قومی تکیه به رژیم آخوندی و بانیان تجاوز فرهنگی ایران بر لسان اصیل دری افغانستان میباید، در اخبار «امید» که به این منظور فعال بود، بر علیه دوست و برادر محترم من «انجنیر خلیل الله معروفی» مینوشت که انجنیر را به قلم و مقاله نویسی چه غرض «!؟». بلی با چنین طرز تفکر و قدیم خیالی به عوض تقدیر از چنین هموطنان زحمت کشی، یقین آقای عبدالواحد حیدری هم که امروز انتقاد بر نویسندگی و تحقیق یک داکتر طب، مثل محترم داکتر زمانی دارد، فردا به سراغ محتویات کتاب تاریخ اخیر محترم داکتر عبدالله کاظم که آنهم در مورد تاریخ اخلاف سردار یحی خان تحریر گردیده، خواهد رفت و انتقاد خواهد نمود که علم اقتصاد به مسائل تاریخی چه ربطی دارد.... و بالاخره نوبت خلیل جان معروفی منحصیث انجنیر و صاحب منصب عسکری هم خواهد رسید که در فهم و دانش ادبی دری بدون تردید، امروز وی والا ترین مقام را دارا می باشد. یا الهی!

نتیجه: طوریکه خوانندگان معزز مشاهده نموده اند، در مطلبی که این قلم روز قبل تحریر داشت، دقیقاً مسئله و بحث بالای داشتن حق انتقاد سالم و رد ادعا های طرف مقابل بود بصورت مسالمت آمیز و ارائه اسناد، مدارک، معرفی شهود و اصلاح اوراق تاریخی یا هر موضوع اجتماعی دیگری که محتاج روشنی اندازی و جنبه آموزشی نسل های امروز و فردای افغانستان باشد. چنانچه طور مثال بیان گردید که آقای عبدالواحد حیدری به عوض صدور اوامر و استعمال الفاظ دور از ادب قلم و ناهنجار و هتک حرمت علنی در وبسایت های افغانی در مورد انتشار مضامین نویسنده، مترجم و محقق افغان محترم داکتر عبدالرحمن زمانی، همان بهتر که آنچه را موصوف تحریر میدارد، به حکم تاریخ، اسناد و مدارک و حتی شهود اصلاح و رد نماید. پس اینکه آقای عبدالواحد حیدری نظر به عادت راه را گذاشته به چاه تشریف میبرد، جای افسوس است. این هموطن ما در جوابیه خویش باز هم فرا تر رفته و انتقاد می نماید که چرا آقای زمانی که یک داکتر طب هم هست، دست به قلم، تحقیق و نویسندگی میزند. پناه بر خدا!!!

«*» - اندر معنی و مفهوم استعمال کلمه «نشخوار»: در لغت نامه دهخدا آمده است: (آنچه گاو و شتر و گوسپند خورده خود را باز از معده به دهن آورده، بجود و فرو برد).